

## نقد پژوهش‌های متن‌شناسی ضرب‌المثل‌های بختیاری

دکتر عباس قنبری عُدیوی<sup>۱</sup>

### چکیده

ضرب‌المثل، یکی از گونه‌های مهم فرهنگ مردم (فولکلور) و ادبیات شفاهی است. قوم بختیاری؛ با تاریخ، فرهنگ و ادبیات خویش، در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برای ایران‌شناسان و شرق‌شناسان از جنبه‌های مختلف شناخته شده است. بسیاری از محققان و ایران‌شناسان نام‌دار، آثار معتبری، را درباره بختیاری‌ها نوشته‌اند. با توجه به اهمیت گونه ادبی ضرب‌المثل در فرهنگ بختیاری‌ها، این نوشتار به این حوزه اختصاص دارد. در این گفتار پس از معرفی اجمالی جامعه مورد پژوهش از دیدگاه فرهنگی و اجتماعی، به روش سیر تاریخی (کرونولوژی) به آثار گردآوری شده ضرب‌المثل‌های بختیاری توجه خواهد شد، سپس منابع و پژوهش‌های این گونه از ادبیات عامه، مورد نقد و تحلیل متن‌شناسی قرار خواهد گرفت. کلیدواژه‌ها: بختیاری، ضرب‌المثل، ادبیات شفاهی، نقد، متن‌شناسی.

### مقدمه

"بختیاری" از جمله اقوام ایرانی است که در ناحیه زاگرس میانی، در تمام یا بخش‌هایی از استان‌های چهارمحال و بختیاری، اصفهان، خوزستان و لرستان به صورت کوچ‌رو (جامعه عشایری) یا یک‌جانشین (روستایی و شهری) زندگی می‌کنند. پیشینه و نقش این قوم در سده‌های اخیر به ویژه از افشاریه تا انقلاب مشروطه، موجب گردیده که

odivi46@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۸/۱۲

۱. مدرّس دانشگاه شهرکرد.

تاریخ وصول: ۱۳۸۹/۵/۲۸

پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی به مطالعات انسان‌شناسی (Anthropology)، مردم‌شناسی (Ethnology) و قوم‌نگاری (Ethnography) در این زمینه مبادرت ورزیدند. در این میان پژوهش‌های فرهنگ مردم (Folklore) از اهمیت درخور توجهی برخوردار هستند. این تحقیقات در حوزه مثل‌شناسی نیز ارزش‌مندند؛ نشر و گردآوری ضرب‌المثل‌های بختیاری از سوی پژوهشگران فرهنگ مردم، نشانگر کاربرد فراوان و متنوع این گونه مردمی بین‌گوش‌وران<sup>(۱)</sup> بختیاری است. در این مقاله با استفاده از روش اسنادی و کتاب‌خانه‌ای؛ آثار پژوهشی مثل (ضرب‌المثل) بختیاری؛ مورد تحلیل متن‌شناسی، سبک‌شناسی و نقد قرار می‌گیرند.

### پیشینه گردآوری ضرب‌المثل‌های بختیاری

پژوهش در زمینه ضرب‌المثل‌های بختیاری به طور خاص به دهه‌های گذشته برمی‌گردد، اگرچه در آثاری چون امثال و حکم دهخدا و داستان‌نامه بهمنیاری چند ضرب‌المثل بختیاری هم در کنار سایر مثل‌های فارسی آمده، نمی‌توان این دو اثر را خاص امثال لری یا بختیاری دانست. این متن‌ها شنیده‌های علامه دهخدا، در دورانی است که در خاک بختیاری (مناطق دزک، قلعه‌تک و شلمزار) پناهنده شده بود، به نظر می‌رسد به نسبت زمان حضور ایشان در این دیار، تا حدودی می‌توانست بیش از این تعداد باشد. از این پس به طور ویژه و برابر تاریخ، به آثاری که در این عرصه انتشار یافته‌اند، اشاره می‌شود:

#### ۱. ضرب‌المثل‌های بختیاری، بهرام داوری

با بررسی متون منتشر شده در مورد ضرب‌المثل‌های قوم بختیاری، پیشینه این پژوهش به شکل تخصصی به سال ۱۳۴۳ ه.ش. برمی‌گردد. نخستین اثر مستقل ضرب‌المثل بختیاری را "بهرام داوری" منتشر کرده است. کتاب "ضرب‌المثل‌های

نقد پژوهش‌های متن‌شناسی ضرب‌المثل‌های بختیاری • دکتر عباس قنبری‌غدیوی • صص ۱۸۰-۱۶۱ □ ۱۶۳

بختیاری" وی از صفحه ۹ تا ۲۷، یکصد و هشتاد و دو ضرب‌المثل بختیاری را معرفی کرده است. این کتاب با مقدمه شاعر و پژوهشگر معاصر، "حسین پژمان بختیاری" آراسته شده. بخش دوم کتاب از صفحه ۲۸ نیز نوشته پژمان بختیاری، در باب شعر گویشی بختیاری است (رک. داوری، ۱۳۴۳: ۲۷-۴ و ۴۷-۲۹).

داوری در اثر خود بدون ترتیب الفبایی ابتدا معنای فارسی امثال و سپس با استفاده از حروف لاتین متن ضرب‌المثل بختیاری را همراه با گویش آن‌ها آورده است. استفاده از حرف بزرگ، نداشتن راهنمای الفبای واج‌نویسی و نبود مقدمه مؤلف از ایرادهای اساسی این کار است. این روش پس از او مورد استقبال پژوهشگران قرار نگرفت. برای نمونه متن‌های شماره ۲۲ و ۷۸ کتاب وی این است:

"گاو وحشی یا زخمی است یا کور" Ga tur ya shale ya kur (همان: ۱۱).

راه را تا نیروی و مرد را تا نیازمایی Rane ta nari merdeta nazmai (همان: ۱۷). اگر نخواهیم پیش‌گامی بهرام داوری را در این حوزه نادیده بگیریم و برخی کمبودها را چون نبود متن فارسی ضرب‌المثل‌های گویشی، الفبای رسمی فولکلور و توضیح و کاربرد متن‌ها، برای آغاز این روند طبیعی بدانیم؛ اصل موضوع برای او که یک پزشک بوده، قابل تقدیر است.

۲. فصلنامه ذخایر انقلاب ناشر: دبیرخانه شورای عالی عشایر ایران، انتشارات عشایری پس از کار بهرام داوری، اثر مستقل و پژوهش خاصی در این زمینه انجام نشد تا این که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با انتشار فصلنامه عشایری "ذخایر انقلاب" از سال ۱۳۶۶ ه.ش. تحقیقات متعددی از فولکلور و ادبیات عامه اقوام کوچنده و عشایر ایران جمع‌آوری و منتشر گردید، از جمله در هر شماره این مجله متن‌هایی از امثال بختیاری و دیگر عشایر ایران به طور ساده منتشر می‌شد.

بخش نسبتاً ثابت این فصلنامه، "ضرب‌المثل‌های بختیاری" به قلم ذبیح‌الله کریمی،

کارمند سازمان امور عشایر و از دست‌اندرکاران فصلنامه بود که از شماره ۲ تا ۱۷ در هر شماره چند متن همراه با ترجمه فارسی، آوانگاشت و کاربرد آن‌ها ارائه کرد (رک. کریمی، ش ۲ تا ۱۷ بجز ۱۴ و ۱۵). مجموعه ضرب‌المثل‌هایی که کریمی در فصلنامه منتشر کرد بیشتر از یکصدویست مورد بود. البته غیر از او نگارنده این سطور نیز در شماره ۲۱ این فصلنامه، تعداد دوازده ضرب‌المثل قوم بختیاری را معرفی کرد (رک. قنبری عدیوی، ۱۳۷۸، ش ۲۱: ۱۵۲-۱۴۹). این فصلنامه هم‌چنان منتشر می‌شود.

### ۳. فرهنگ بختیاری، عبدالعلی خسروی (قائد بختیاری)

سال ۱۳۶۸ هم‌زمان با چاپ ضرب‌المثل‌ها در فصلنامه ذخایر انقلاب، کتابی به نام "فرهنگ بختیاری" اثر عبدالعلی خسروی (قائد بختیاری) منتشر شد. اگرچه این اثر مجموعه‌ای از تاریخ، آداب، رسوم، ادبیات، معرفی شاعران محلی و واژگان بختیاری بود، ولی بالغ بر دویست‌وهشت ضرب‌المثل با همان شیوه مرسوم (متن، آوانگاشت، برگردان فارسی و کاربرد) در آن ارائه گردید. تفاوت این اثر با دیگر کتاب‌های مثل این است که مؤلف برابری از اشعار سرایندگان ادب فارسی و ضرب‌المثل‌های رایج فارسی را برای متن‌ها، بدون ذکر منبع و نام سرایندگان آورده است (رک. خسروی، ۱۳۶۸). مزیت دیگر این اثر ارائه واریانت‌های (Variant)<sup>(۲)</sup> گونه خوزستانی مردم بختیاری یعنی منطقه گرمسیری است، حتی می‌توان به عنوان گونه محدود ایزه - یکی از شهرهای مهم و تاریخی محل سکونت بختیاری‌ها - این ضرب‌المثل‌ها را با سایر مناطق مقایسه و تطبیق نمود.

### ۴. ضرب‌المثل‌های بختیاری، کیانوش کیانی هفت‌لنگ

از نظر زمان انتشار، کتاب مستقلی که پس از پژوهش بهرام داوری در ایران منتشر شد، "ضرب‌المثل‌های بختیاری" از کیانوش کیانی هفت‌لنگ است. وی این کتاب را در سال

نقد پژوهش‌های متن‌شناسی ضرب‌المثل‌های بختیاری • دکتر عباس قنبری‌عُدیوی • صص ۱۸۰-۱۶۱ □ ۱۶۵

۱۳۷۰ با یکصد و شصت و پنج ضرب‌المثل منتشر ساخت. نکته قابل توجه و مهم در اثر کیانی پیش‌گفتار ارزنده آن درباره قوم بختیاری، جغرافیا و مسائل دیگر است، اما عیب پژوهش او چون آثار داوری و کریمی، نداشتن توضیحی درباره مثل، ساختار و ریخت ضرب‌المثل‌های شفاهی و مکتوب بختیاری است (رک. کیانی، ۱۳۷۰).

کیانی کتاب خود را به ترتیب حروف الفبا - در اول کلمات نه همه حرف‌ها - تنظیم کرده است و در پایان، واژه‌نامه‌ای از متن امثال استخراج نموده که در نوع خود قابل تحسین است (کیانی، ۱۳۷۰: ۶۹). این اثر در سال ۱۳۷۸ با ویرایش جدید و افزایش متن‌ها تا دویست و هشتاد و پنج مورد دوباره چاپ شد. در ویراست دوم هم همان شیوه مرسوم آوردن متن‌ها، آوانگاشت، برگردان روان فارسی و کاربرد آن‌ها و گاهی برای سهولت در فهم متن‌ها، مثل فارسی مترادف یا نظیر آن‌ها نیز آمده است (کیانی، ۱۳۷۸: ۹۴-۹۵). این کتاب علاوه بر واژه‌نامه، چکیده‌ای به زبان انگلیسی دارد، که برای پژوهشگران فرهنگ عامه و غیر فارسی‌زبانان سودمند است (همان: ۱۴۲). عیب ترتیب الفبایی و واج‌نویسی فونتیکی چاپ نخست نیز در این ویرایش بر طرف گردیده و علمی‌تر شده است.

##### ۵. ترانه‌ها و مثل‌های بختیاری، احمد عبداللّهی موگویی

کتاب دیگری که به فولکلور مردم بختیاری پرداخته "ترانه‌ها و مثل‌های بختیاری" از احمد عبداللّهی موگویی است. وی در سال ۱۳۷۲ کتاب خود را در یکصد و پنجاه و دو صفحه شامل ترانه‌ها، چیستان‌ها، ادعیه، سوگینه‌ها، کارآواها و مثل‌ها چاپ نموده که در آن دویست و بیست و یک ضرب‌المثل بختیاری را با ترتیب الفبایی ذکر کرده است. حُسن بیشتر کار عبداللّهی، بخش ترانه‌ها و اشعار آن است و آوردن متن مثل‌ها و برابره‌های شعری کوتاه به لطف آن افزوده است. محقق، به نام گویندگان متن‌ها و دیگر اطلاعات آن‌ها نیز چون محققان پیش از خود اشاره‌ای نکرده است (رک. عبداللّهی، ۱۳۷۲: ۷۷-۳۳). ریخت و شکل ارائه متن‌ها نیز سلیقه‌ای و برابر دیگر متن‌ها از میان صفحه آغاز شده است.

#### ۶. گویش و فرهنگ الیگودرز، سیدکمال رضوی

سال ۱۳۷۳ سیدکمال رضوی در کتاب "گویش و فرهنگ الیگودرز" سی‌وشش ضرب‌المثل از مردم بختیاری زبان منطقه الیگودرز لرستان را آورده است. این اثر نیز یک کتاب مستقل در مورد مثل‌ها نیست، اما جمع‌آوری واریانت‌گونه الیگودرزی مثل‌های بختیاری در آن قابل توجه است. عیب این کار نوشتن آوانگاشت متن ضرب‌المثل‌هاست (رضوی، ۱۳۷۳: ۶۷). بختیاری‌های الیگودرز از شاخه (ایل) چهارلنگ بختیاری محسوب می‌شوند. تفاوت گفتار و لفظ متن‌ها در این اثر مشهود است. با این همه نمی‌توان متن‌های گردآورده را در این اثر نمونه کاملی از زبان‌زدهای چهارلنگ بختیاری دانست.

#### ۷. هفتصد ضرب‌المثل بختیاری، ذبیح‌الله کریمی

کریمی که نخستین تجربه‌اش را در حوزه نشر مثل، با فصلنامه ذخایر انقلاب آغاز کرد، در سال ۱۳۷۴ کتاب "هفتصد ضرب‌المثل بختیاری" را با همان شیوه به ترتیب حروف الفبایی و با ذکر شماره چاپ کرد. وی در این کتاب، مقدمه‌ای نیاورده و تنها به مقدمه کوتاه ناشر - که متأسفانه غیرفنی و غیرعلمی است - اکتفا نموده است. حق این بود که ایشان به عنوان یکی از پیشگامان این کار با نگاهی علمی به چاپ اثر مبادرت می‌کرد. متن ضرب‌المثل‌ها که در بخشی پیش از این در "فصلنامه ذخایر انقلاب" چاپ شده بود به زبان شفاهی مردم نزدیک‌تر است، هرچند که کاربرد برخی از متن‌ها نوشته نشده است (کریمی، ۱۳۷۴: ۹۱-۸۸، ۷۵). این کتاب نقص فنی دیگری هم دارد، مثلاً؛ گاهی متن‌ها معنی نشده‌اند. به نظر می‌رسد محقق تصور کرده که نیازی به معنای فارسی متن‌ها نیست، در حالی که در این گونه تحقیقات باید نیاز و روحیه مخاطبان را در سطحی گسترده در نظر گرفت (رک. کریمی، ۱۳۷۴: ۹۱).

هیچ‌کدام از کتاب‌هایی که درباره ضرب‌المثل‌های قوم بختیاری نوشته شده‌اند، به نام گویندگان، سواد، سن، منطقه و واریانت‌های آن‌ها اشاره نکرده‌اند. این عیب در

نقد پژوهش‌های متن‌شناسی ضرب‌المثل‌های بختیاری • دکتر عباس قنبری‌عُدیوی • صص ۱۸۰-۱۶۱ □ ۱۶۷

پژوهش‌های ضرب‌المثل بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد. اثر ذبیح‌الله کریمی نیز از این نقیصه رنج می‌برد.

#### ۸. ضرب‌المثل‌های بختیاری در آیینۀ وحی، یحیی پیرعباسی

در سال ۱۳۷۴ یحیی پیرعباسی مبلغ دینی و گویش‌ور بختیاری با رویکرد بررسی جایگاه دین در افکار بختیاریان، کتاب "ضرب‌المثل‌های بختیاری در آیینۀ وحی" را منتشر ساخت. در این اثر یکصدوده متن مثل با ترجمه (برگردان فارسی)، ارائه شده است. وی در مقدمه به بیان انگیزه‌های خود همراه با توضیح واژه‌ها و بحث در تحقیقات علامه دهخدا پرداخته و تعداد مثل‌های مکتوب و موجود پیش از خود را دوپست مورد ذکر کرده است (پیرعباسی، ۱۳۷۴: ۷). چند عیب عمده این اثر نوشتن آوانگاشت متن‌ها و توضیح زیاد برگردان‌هاست که گاهی با متن بختیاری بسیار تفاوت دارد (همان: ۳۹). عیب دیگر این کتاب، برابر نبودن نام اثر و محتوای آن است. محقق اثر خود را "ضرب‌المثل‌های بختیاری در آیینۀ وحی" نامیده به نحوی که تصوّر می‌شود متن مثل‌ها با آیات قرآن کریم مقایسه خواهد شد، ولی در عمل چنین امری رخ نداده و بیشتر به تطبیق مثل‌ها با احادیث معصومان<sup>(ع)</sup> پرداخته شده است (رک. پیرعباسی، ۱۳۷۴: ۱۰۷، ۱۱۴، ۱۵۵).

#### ۹. کتاب آنزان، غلام‌عباس نوروزی

"کتاب آنزان" به سرپرستی غلام‌عباس نوروزی بختیاری، نشریه‌ای در تاریخ و فرهنگ بختیاری بود که دو شماره آن از ۱۳۷۴ انتشار یافت و پس از آن دیگر ادامه نیافت. در این کتاب، در کنار مباحث نقد و بررسی آثار فولکلور بختیاری، برخی گونه‌های رایج این قوم نیز معرفی شده‌اند، از جمله در شماره نخست، دوازده ضرب‌المثل گویشی با برگردان فارسی (بدون آوانگاشت) ارائه شده است. مهدی شاه‌منصوری در آن مقاله تنها به ارائه متن‌ها و ترجمه این تعداد از مثل‌های ایل زلکی (از شعب ایل بختیاری)

پرداخته است (شاه‌منصوری، ۱۳۷۴: ۱۵۶).

در شماره دوم کتاب آنزان نیز، بهجت میری، هفده متن ضرب‌المثل بختیاری را با معنی فارسی آورده است (میری، ۱۳۷۷: ۱۶۵). متن‌های این شماره از کتاب آنزان بدون آوانگاری نقل شده‌اند، محقق، به کاربرد برخی از آن‌ها نیز اشاره نکرده است.

#### ۱۰. گنجینه مثل‌های بختیاری، فریبرز فروتن

از دیگر محققان این عرصه می‌توان به فریبرز فروتن نویسنده "گنجینه مثل‌های بختیاری" اشاره کرد. فروتن در سال ۱۳۷۵ کتابش را منتشر کرد؛ وی پانصدو هشت ضرب‌المثل بختیاری را به ترتیب حروف الفبا همراه با آوانگاری و کاربرد آن‌ها ارائه کرد. پژوهش فروتن نسبت به تحقیقات قبل از آن از ویژگی‌های بهتری برخوردار است و وی برای برخی متن‌ها از شعر فارسی یا ضرب‌المثل‌های رایج، نمونه‌هایی مشابه آورده؛ اما عیب وارد بر این کار آن است که منابع برابر نهادها و اشعار را ذکر نکرده است (رک. فروتن، ۱۳۷۵). در تحقیق فروتن به گونه گویشی طوایف و ایلات بختیاری اشاره نشده است و همین مسأله باعث می‌شود که در برخی تلفظ‌ها تفاوت‌هایی وجود داشته باشد (رک. فروتن، ۱۳۷۵: ۶۱ و ۱۲۴). مقدمه این کتاب به قلم مظفر بختیار؛ کوتاه، اما خواندنی است.

#### ۱۱. گویش بختیاری، عبدالعلی خسروی

کتاب "گویش بختیاری" در سال ۱۳۷۵ منتشر شد. این کتاب به زبان زدها و ضرب‌المثل‌های بختیاری اختصاص دارد. نویسنده در بخش نخست کتاب به ساختار دستور زبان و ویژگی‌های دستوری گویش بختیاری پرداخته است. در این اثر بیش از هزار و دویست متن گویشی همراه با آوانگاشت و برگردان آن‌ها ارائه گردیده که همه آن‌ها ضرب‌المثل نیستند. محقق، گاه، برخی عبارت‌ها و جمله‌های عادی گویش‌وران بختیاری را یادداشت کرده است، مانند: دَمَس وَند (دم‌پخت را آماده کرد) (خسروی، ۱۳۷۵: ۴۴۸). در



نقد پژوهش‌های متن‌شناسی ضرب‌المثل‌های بختیاری • دکتر عباس قنبری عُدیوی • صص ۱۸۰-۱۶۱ □ ۱۶۹

پایان کتاب تعدادی چیستان، واژه و مقاله هم درباره گویش بختیاری چاپ شده که اثر را از تناسب نام و محتوا دور کرده است (همان: ۵۸۲ به بعد).

## ۱۲. واژه‌نامه گویش بختیاری چهارلنگ، رضا سرلک

در سال ۱۳۸۱ کتاب‌های بیشتری درباره ضرب‌المثل و فولکلور بختیاری منتشر گردید. در این سال کتاب "واژه‌نامه گویش بختیاری چهارلنگ" اثر رضا سرلک در دو بخش چاپ شد. در بخش دوم آن، تعداد چهارصد و چهارده ضرب‌المثل‌های بختیاری استان لرستان، همراه با آوانگاشت، برگردان و کاربرد متن‌ها ارائه گردیده است. ضرب‌المثل‌های این کتاب بر اساس ترتیب الفبایی تنظیم گردیده است. نویسنده از آوردن اصطلاح و کنایه خودداری کرده است؛ این در حالی است که برخی محققان مثل‌شناس معتقدند که کنایه‌های رایج و مشهور، حکم مثل دارند. سرلک کتابی دیگر نیز به نام "آداب و رسوم و فرهنگ عامه ایل بختیاری چهارلنگ" در سال ۱۳۸۵ منتشر نموده است (رک. سرلک: ۱۳۸۵). این تحقیق بیشتر بر اساس مطالعه موردی (تکنگاری) قوم‌شناسی و بر مبنای قوم‌نگاری و مردم‌شناسی است.

## ۱۳. امثال و حکم بختیاری، عباس قنبری عُدیوی

نگارنده از سال ۱۳۶۴ به جمع‌آوری گونه‌های ادب شفاهی بختیاری، مبادرت نمود؛ و در سال ۱۳۸۱ پس از دوازده سال کار میدانی و تحقیق مردم‌شناسی، کتاب "امثال و حکم بختیاری" را منتشر کرد. این کتاب حدود چهار هزار و سیصد ضرب‌المثل و حکمت عامیانه بختیاری را دربردارد. برای هر مثل، آوانگاری، ترجمه و کاربرد روان آن ذکر گردیده و داستان مثل‌ها، حکایت‌های هر متن و کاربرد برخی از آن‌ها در فضای اجرا (Context) همراه با شواهد و نظایر آیات قرآن، احادیث پیشوایان دینی و اشعار فارسی آمده است. مواد این تحقیق از میان ده‌هزار متن پرکاربرد گردآوری شده محقق از مناطق سردسیری و

گرمسیری بختیاری انتخاب شده‌اند که می‌توان تعداد بسیاری از واژگان و ترکیب‌های فراموش‌شده بختیاری، آداب و رسوم ایلی، مسائل مردم‌نگاری و انسان‌شناسی را از آن‌ها دریافت. این کتاب در پنج فصل تنظیم شده و تمام کتاب‌های ضرب‌المثل بختیاری را به صورت تحلیلی معرفی نموده است. برخی محققان فرهنگ مردم در مورد این تحقیق اظهار نظر کرده و نقدهایی نگاشته‌اند (رک. ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۸۱-۸۰ و جعفری قنواتی، ۱۳۸۳: ۵۹-۶۰).

#### ۱۴. بختیاری در گذرگاه زمان، سیاوش اعتمادی

در سال ۱۳۸۱، سیاوش اعتمادی، کتاب "بختیاری در گذرگاه زمان" را چاپ نمود. اگرچه رویکرد اصلی کتاب، بررسی تاریخی این ایل است، اما محقق در پایان کتاب حدود دویست و چهل ضرب‌المثل بختیاری را با برگردان فارسی آن‌ها ذکر نموده است. این کتاب، پژوهشی مستقل در حوزه امثال نیست؛ و نداشتن ترتیب هجایی و آوانگاشت، کاربرد و مطالعه آن را دشوار ساخته است (اعتمادی، ۱۳۸۱: ۳۲۵-۳۱۳).

#### ۱۵. مثل‌های ایذه، نورالله مرادی

کتاب "مثل‌های ایذه" تحقیقی است که نورالله مرادی در سال ۱۳۸۲ چاپ کرد. ایذه (آنزان یا انشان) به عنوان یکی از مناطق تاریخی بختیاری از هر نظر می‌تواند قابل بررسی باشد. گویش مردم ایذه در این متن‌ها قابل توجه است ولی صورت متن‌ها در آثاری که پیش از این یاد شد، نیز مشاهده می‌شود. پژوهشگر در این کتاب پنجاه‌ویک مثل را با گویش مردم ایذه آورده است. این کتاب را می‌توان کوچک‌ترین کتاب ضرب‌المثل بختیاری دانست. مقدمه، توضیحات و بیان صمیمانه اثر قابل توجه است.

نقد پژوهش‌های متن‌شناسی ضرب‌المثل‌های بختیاری • دکتر عباس قنبری عدیوی • صص ۱۸۰-۱۶۱ □ ۱۷۱

#### ۱۶. ناب‌ترین ضرب‌المثل‌های بختیاری، موسی نقدی پور

این محقق نیز کتاب خود را با نام "ناب‌ترین ضرب‌المثل‌های بختیاری"، در سال ۱۳۸۳ چاپ و منتشر کرد. متأسفانه تلاش نگارنده برای یافتن این کتاب به جایی نرسید.

#### ۱۷. گفت و لغت، عباس قنبری عدیوی

پس از کتاب امثال و حکم بختیاری، دومین اثر اختصاصی فولکلوریک نگارنده، کتاب "گفت و لغت" است. این اثر مجموعه‌ای از پانزده مقاله مستقل ولی به هم پیوسته است که در ادبیات و مسایل مردم‌شناسی بختیاری‌ها تدوین و در سال ۱۳۸۵ چاپ و منتشر شده است. دو مقاله "امثال و حکم؛ آیینۀ شناخت ایل بختیاری" (قنبری، ۱۳۸۵ الف: ۵۰-۴۵) و "مهمانی؛ در مثل و باورهای عامیانه بختیاری" (همان: ۱۲۰-۱۱۵)، به صورت اختصاصی به موضوع ضرب‌المثل مربوط است، همچنین در سایر مقالات به ویژه "جایگاه پدر در فرهنگ بختیاری" و "پرندگان در فرهنگ عامه بختیاری"، به فراخور از مثل استفاده شده است (رک. همان: ۳۵ و ۸۵).

#### ۱۸. یک جرعه از خیال، عباس قنبری عدیوی

این کتاب در سال ۱۳۸۵ در پنج فصل و چهارده نوشتار موضوعی منتشر گردید. اگرچه این اثر، خاص ضرب‌المثل نیست ولی فصل آخر کتاب با عنوان "امثال و حکم بختیاری" سه نوشتار را دربر گرفته است. دو متن "معرفی کتاب امثال و حکم بختیاری" اثر اقبال صالحی (قنبری، ۱۳۸۵ ب: ۱۶۶-۱۶۳) و "پژوهشی ارجمند در ادبیات شفاهی" اثر محمد جعفری قنواتی (همان: ۱۷۲-۱۶۷) نقد نخستین اثر نگارنده است که در این کتاب درج گردید. همچنین مقاله نگارنده با عنوان "حریری از نقد" که در پاسخ به نقد جعفری قنواتی در کتاب ماه علوم اجتماعی (ش ۸۴) چاپ گردیده، در فصل پنجم کتاب آمده است (همان: ۱۸۰-۱۷۳).

۱۹. فرهنگ زبانزدهای مشترک قوم لر، اردشیر صالح‌پور

کتاب "فرهنگ زبانزدهای مشترک قوم لر (بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، لری و لکی)" اثر مشترک اردشیر و زینت صالح‌پور است که در سال ۱۳۸۵ منتشر شد. کار این دو محقق بر اساس موضوع، تنظیم شده است و در یک‌صدوسی و پنج موضوع اصلی چون: عاقبت بدخواهی، چشم‌انتظار کمک دیگران بودن، بهانه‌تراشی و... متن‌هایی از گونه‌های متنوع قوم لر (بزرگ و کوچک، پیش‌کوه و پشت‌کوه) جمع‌آوری شده است. اگرچه این اثر به دلیل توجه به تطبیق متون، در نوع خود بی‌مانند است، ولی نام "فرهنگ" را نمی‌تواند به خود بگیرد. محققان برای برخی متن‌ها معادل‌هایی از شعر فارسی هم آورده‌اند. حسن کار ایشان را مقدمه بیست صفحه‌ای کتاب می‌توان دانست که به معرفی قوم لر و بخش‌بندی‌های آن اشاره نموده‌اند (صالح‌پور، ۱۳۸۵: ۱۶-۶).

۲۰. سرچشمه ضرب‌المثل‌های بختیاری، رضا حیدری

در سال ۱۳۸۶ رضا حیدری پیدنی کتاب "سرچشمه ضرب‌المثل‌های بختیاری" را با نهصد و هشت متن منتشر نمود. در این کتاب کاربرد مثل‌ها با توضیح کافی و نسبتاً طولانی آورده شده است. مؤلف در مقدمه می‌گوید که بدون توجه به کار پیشینیان از دوران کودکی مثل‌ها را گرد آورده است (حیدری، ۱۳۸۶: ۳). این سخن، اگرچه با شجاعت و صراحت بیان شده است، با پژوهش مردم‌شناسی مغایرت دارد. وی در بخشی از مقدمه می‌گوید: «مواردی نیز به صورت ناخودآگاه به ذهنم الهام می‌شد که نه از کسی شنیده بودم و نه در جایی دیده بودم» (همان: ۳). ایشان این‌گونه امثال را هم در کتاب خود آورده‌اند. متن مثل‌ها نیز در کتاب حیدری؛ بدون ترتیب حروف الفبایی و با حروف لاتین، نه فونتیک، تنظیم گردیده است. همچنین یک حکایت از شاعری با نام "میرنوروزی" و "تیگ‌نوشت" (سرنوشت) دیده می‌شود که تناسبی با عنوان و محتوای کتاب ندارد.

نقد پژوهش‌های متن‌شناسی ضرب‌المثل‌های بختیاری • دکتر عباس قنبری عُدبوی • صص ۱۸۰-۱۶۱ □ ۱۷۳

## ۲۱. فرهنگ بختیاری، عیدی محمد ارشادی

پژوهشگر، کتاب را "فرهنگ بختیاری" نام نهاده است و در صفحه نخست در عنوان فرعی تحقیق خود این‌گونه آورده است: (مثل‌ها "افسانه‌ها"، مثل‌ها، بازی‌ها، لغات، آداب و رسوم "ادغام در لغات، مثل‌ها"). این اثر در سال ۱۳۸۸ چاپ شده است. محقق، مقدمه مفصلی درباره مسایل مردم‌شناسی و تاریخچه و فرهنگ زادگاه خود (منطقه میزدج و شهر فارسان) آورده که برخی مفید و کاربردی و برخی غیرمستند و سؤال‌برانگیز است (ارشادی، ۱۳۸۸: ۶۸-۱۱). گفتار و لحن این کتاب در مواردی بسیار عامیانه است؛ به طوری که این لحن و گویش را نمی‌توان اختصاصاً بختیاری دانست؛ بلکه باید آن را گویش منطقه خاص فارسان به شمار آورد (رک. همان: ۱۸۱). در مواردی نیز جمله‌های ناتمام در این کتاب دیده می‌شود (همان: ۷۴۲، هوال و هم تیه...). عیب دیگر این کتاب، ارجاع‌های غیرعلمی در متن و پایان اثر است که از ارزش کار می‌کاهد.

## ۲۲. فولکلور مردم بختیاری، عباس قنبری عُدبوی

این کتاب در سال ۱۳۸۹ در خصوص فرهنگ عامه بختیاری تدوین گردید. کتاب فولکلور مردم بختیاری در چهار فصل، گونه‌های متنوع فرهنگ مردم را دربردارد. فصل دوم آن به مسأله گونه‌های خرده‌فولکلور از جمله ضرب‌المثل اختصاص دارد. این بخش شانزده گونه فولکلوری را از مثل تا شوخی‌های اقوام، دربردارد (قنبری، ۱۳۸۹: ۲۵۰-۱۳۵).

## نقد و تحلیل کلی آثار

پژوهشگران مثل‌های بختیاری را به ترتیب زمان باید؛ داوری، کریمی، کیانی، فروتن، قنبری، مرادی، نقدی‌پور و حیدری دانست. در دیگر آثار، علی‌رغم شایستگی؛ مثل‌ها بخشی از کتاب‌ها را تشکیل می‌دهد و دیگر گونه‌های خرده‌فولکلور و یا فولکلورهای

موسمی هم در آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است. نبود یک مرکز مستقل و مدیریت علمی به سبک فرهنگستان (آکادمی) در مناطق بختیاری نشین سبب گردیده که تحقیقات فرهنگی این قوم به شکلی پراکنده و تا حدودی ذوقی انجام شود و آثار از سوی کسانی غیر از محققان و دانش‌آموختگان فولکلور و ادبیات، گردآوری و منتشر شود. آثار منتشر شده به مسایل بدیعی، فنی، ادبی و هنری ضرب‌المثل‌ها توجهی ننموده‌اند؛ عیب‌های کلی دیگر تحقیقات پژوهشگران بختیاری در گردآوری و نشر متن‌ها را می‌توان فهرست‌وار بدین شکل تنظیم کرد:

۱. نداشتن گونه‌های محلی و جغرافیایی سردسیری و گرمسیری
۲. نبود نام و مشخصات گویندگان متن‌ها
۳. تأکید بر متن مثل‌ها و عدم توجه به مثل و مثل‌شناسی از منظر علمی
۴. بی‌توجهی به قصه مثل‌ها و داستان‌های مثلی (در امثال و حکم بختیاری این موارد بدون ذکر عنوان آمده‌اند).
۵. یکسان نبودن شیوه تبدیل کردن گویش به خط
۶. نبود مقایسه بین متن‌های گردآوری شده

### نقد تطبیقی یک نمونه با تأکید بر واریانت

یکی از مهمترین علل تعدد روایات شفاهی گونه‌های فرهنگ مردم، فراوانی و تعدد گویندگان و روایان آن‌هاست. این روایان بر اساس ذوق، سلیقه و میزان دانایی و بر اساس شرایط اقلیمی، جغرافیایی و یا حالت‌های روحی و روانی گویندگان و مکان تولید آن‌ها واریانت‌های مختلفی از این گونه‌ها را بیان می‌کنند. واریانت ضرب‌المثل‌های بختیاری و تفاوت در متن‌های مختلف گاهی تابع تغییر در یک یا چند واژه است. نمونه‌های زیر قابل تأملند:

۱. "باد بس که خو بید بارون هم و ست به کشس".

/bād baske xu bid bārun ham vast be kašes/.

(باد بس که خوب بود، باران هم کنارش افتاد).

۲. "باد ز بس که خوبی بارون هم و ست و اباس".

/bād ze baske xu bi bārun ham vast vābās/.

(باد بس که خوب بود، باران هم با او همراه شد) (پیرعباسی، ۱۳۷۴: ۱۰۹)

۳. "باد بس که خو هد، باد بزَن هم اوفته گلس".

/bād baske xuhed, bādbezan ham ?ufte gales/.

(باد بس که خوب بود، باد بزَن هم همراهش می‌شود) (کیانی، ۱۳۷۸: ۲۷).

۴. "بس که باد خوبی باد لون هم و ست گلس".

/bas ke bād xubid bādelun ham vast gales/.

(بس که باد خوب بود، باد وزنده هم همراهش شد) (قنبری، ۱۳۸۱: ۱۷۸).

۵. "بس که باد خوبی، گرت ليله هم و ست به کشس".

/bas ke bād xubi, gartelile ham vast be kašes/.

(بس که باد خوب بود، گردباد هم همراهش شد) (همان).

۶. "بس که باد خوبی، بارون هم و ست به کشس".

/bas ke bād xubi, bārun ham vast be kašes/.

(بس که باد خوب بود باران هم افتاد کنارش).

با مقایسه متن‌های بالا مشاهده می‌شود که اساس مثل در ساختار و اصل کلام، دو جزء

کلی دارد:

الف) از بس باد خوب بود... ب) باران - گردباد و... هم همراه او شد.

جزء اول با تغییر جای "باد" و گونه‌های فعل از مصدر بودن به صورت "خوب بید -

خوبی - خواهه" بیان می‌گردد. جزء دوم هم در سه متن "بارون"، یک مورد "باد بزَن" و یک

مورد "گرت ليله" تغيير یافته. اين تغييرات، ناشی از تعدد راویان در مناطق سردسیری و گرم‌سیری یا نواحی شهری، روستایی و عشایری و یا تراش‌خوردگی‌های آوایی است. اما واژگان کلیدی در تمام این متن‌ها همان: باد، باران، گرد و غبار، بادبزنی و... است. بسیاری از ضرب‌المثل‌های رایج در بین گویش‌وران بختیاری از این قبیل تغییرات و اختلاف‌ها را دارند اما اغلب، ژرف‌ساخت دستوری و معنایی آن‌ها یکی است (محور هم‌نشینی) و در روساخت (محور جانشینی) آن‌ها تفاوت وجود دارد. در محور هم‌نشینی، ضرب‌المثل‌ها از دو بخش (پاره) پایه و پیرو تشکیل می‌شوند (رک. ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۱۷).

### نتیجه

از میان گونه‌های مختلف ادب عامّه، ضرب‌المثل‌ها منبع خوبی برای مطالعات مردم‌شناسی، ادبی و علوم انسانی است. آشنایی با پیشینه تحقیقات اختصاصی درباره ضرب‌المثل، راه را برای محققان دیگر که از این پس در این وادی گام خواهند زد، هموار می‌کند. نگاه نقادانه و مبتنی بر روش‌های متن‌شناسی و تحلیل ادبی این گونه پرکاربرد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

تحقیق درباره ضرب‌المثل در قوم بختیاری از ۱۳۴۳ به طور اختصاصی آغاز شده و تاکنون چندین هزار متن ضرب‌المثل و زبان‌زدگویی با تنوع اقلیمی و طایفه‌ای گردآوری و نشر گردیده است. با این همه، هنوز هماهنگی علمی و دانشگاهی برای جمع‌آوری این متن‌ها، در میان پژوهشگران عرصه ادبیات عامّه ایجاد نشده است. بسیاری از کسانی که این پژوهش‌ها را دنبال می‌کنند؛ دانش‌آموخته ادبیات و فرهنگ مردم نیستند و همین امر موجب پراکندگی و تنوع شیوه‌ها و الگوهای پژوهشی آنان گردیده است.

محقق با چند دهه کار اختصاصی درباره زبان، ادبیات، فولکلور و فرهنگ مردم "بختیاری" راهکارهایی را به عنوان پیش‌نهاد ارائه می‌کند:



نقد پژوهش‌های متن‌شناسی ضرب‌المثل‌های بختیاری • دکتر عباس قنبری‌عُدیوی • صص ۱۸۰-۱۶۱ □ ۱۷۷

۱. تدوین و تألیف دانشنامهٔ بختیاری و فرهنگ جامع ضرب‌المثل‌های گویش

بختیاری

۲. تأسیس مرکز علمی گردآوری و پژوهش گونه‌های ادب عامه در بختیاری

۳. تأسیس و راه‌اندازی کرسی‌های فرهنگ عامه و ادبیات شفاهی و ایجاد رشته‌های

تخصصی این حوزه در دانشگاه‌ها

۴. آموزش محققان و نویسندگان غیردانشگاهی بر اساس شیوه‌های علمی و جهانی

پژوهش در فرهنگ عامه، برای جلوگیری از انتشار آثار غیرعلمی

۵. تهیهٔ کتاب‌شناسی فرهنگ عامهٔ بختیاری (و سایر اقوام ایرانی) در قالب پایان‌نامه،

طرح و پروژه‌های تحقیقاتی

۶. تأسیس بنیاد پژوهش‌های بومی و محلی زبان (گویش و لهجه) در استان‌ها به

تناسب جمعیت و گویش

## پی‌نوشت‌ها

۱. پژوهشگران، گویش بختیاری را جزئی از گویش‌های جدید زبان فارسی می‌دانند. «لری، بختیاری، لکی و لهجه‌های فرعی آن‌ها را به طور کلی تحت عنوان لری می‌توان قرار داد... گویش لری جزو گویش‌هایی است که در گروه زبان‌ها و لهجه‌های جنوبی ایران دسته‌بندی شده‌اند» (احمدپناهی، ۱۳۷۶: ۱۴۹). گویش‌های لری شامل: بختیاری، بویراحمدی، فیلی، کهگیلویه‌ای، گیانی، ممسنی‌یی و... می‌باشد و زیرگروه گویش‌های جنوب غربی از بخش زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو غربی است. برخی از زبان‌شناسان می‌نویسند: «مقر اصلی این زبان در کوهستان‌های بختیاری و مغرب استان فارس است و توسط قبیله‌های بختیاری، ممسنی، کهگیلویه‌ای، بویراحمدی و جز آن به کار می‌رود. این زبان جزو زبان‌های جنوب غربی ایران به حساب آمده است» (رضایی، ۱۳۸۰: ۵).

آنچه از آن به عنوان زبان یاد شده است در مفهوم گفتاری و گویشی مردمی است که در ناحیه بختیاری به آن سخن می‌گویند؛ منظور ما قواعد دستوری (گرامری) آن نیست، بلکه همان چیزی است که گویش‌وران این تبار از آن بهره می‌برند. بنا به عقیده "زالس من"، زبان و لهجه مادری از عوامل منسجم‌کننده و موجب تحکیم روابط چادرنشینان است (امان، ۱۳۶۷: ۸۰). به استناد مطالعاتی که نگارنده در این خصوص داشته است، مهم‌ترین خصایص زبان گفتاری گویش‌وران بختیاری از این قرار است:

۱. دستورپذیر و قاعده‌مند است. ۲. صراحت و صلابت گفتاری دارد. ۳. کوتاه‌گویی و ایجاز. ۴. پرهیز از حشوگویی در گفتار. ۵. همواره بر اساس مفاهیم، تجارب و دانسته‌ها، دانستگی‌ها و دانستنی‌ها متولد می‌شود که در حقیقت به نوعی ثمره زبان است" (صالحی، ۱۳۶۹: ۱۴). ۶. حذف برخی الفاظ، اصوات و جای‌گزینی حالت و اشاره‌های معنادار. ۷. زنده، منعطف، گیرا و به نوعی قابل فهم برای غیر گویش‌وران خود. ۸. پذیرش محدود واژه از سایر زبان‌ها و گویش‌ها همچون ترکی، مغولی، عربی و لاتین. ۹. انعطاف‌پذیر بودن، حل و جذب با واژه‌های فنی و صنعتی (ورود واژه‌های لاتین همراه با صنعت نفت). ۱۰. دارا بودن برخی آواهای اختصاصی مانند یای مجهول در واژه‌هایی مثل: شیر *seir* به معنی شعر یا شیر درنده (شیر *seir* شیر خوراکی، سیر *seir* در مقابل گرسنه، دهدر *dohdar* این آوا چیزی بین "د" و "ز" می‌باشد و تلفظ آن خاص بختیاری‌هاست، دکو *dokow*: دکان که واژه مرکب *ow* با غلظت آوایی جانشین "ون" شده است.
- گویش و زبان بختیاری مورد توجه و علاقه پژوهشگران اروپایی بوده است؛ به گونه‌ای که سرگرد لاریمر (۱۸۶۷-۱۹۶۲) موادی را از لری (بختیاری)، کرمانی و گبری (گویش زرتشتیان) جمع‌آوری کرده بود و چند متن درباره موضوعاتی چون تولد، عروسی، مرگ و تدفین، طلسم عشق، مهمان‌نوازی، طلب باران و... جمع‌آوری کرده بود. همچنین والتین آلکسیویچ ژوکوفسکی (روسی) (۱۸۵۸-۱۹۱۸) نیز با جمع‌آوری متون زیادی از ترانه‌های زنان و کودکان بختیاری منطقه کوه‌رنگ، حجم قابل توجهی از این فولکلور غنی را گردآورده است.
- منظور از "واریانت" در مطالعات فرهنگ مردم مغایرت و گوناگونی بین لهجه‌ها و تنوع کاربردی زبان در محدوده‌های جغرافیایی خاص از یک قوم است.

## منابع

۱. آهنجیده، اسفندیار. (۱۳۷۴). ایل بختیاری و مشروطیت. اراک: ذره‌بین.
۲. احمدپناهی، محمد. (۱۳۷۶). ترانه و ترانه‌سرایی در ایران. تهران: سروش.
۳. ارشادی، عیدی محمد. (۱۳۸۸). فرهنگ بختیاری. تهران: آرون.

نقد پژوهش‌های متن‌شناسی ضرب‌المثل‌های بختیاری • دکتر عباس قنبری‌عُدوی • صص ۱۸۰-۱۶۱ □ ۱۷۹

۴. اسعد، سردار علی‌قلی‌خان و سپهر، عبدالحسین لسان‌السلطنه. (۱۳۷۶). تاریخ بختیاری، به اهتمام جمشید کیان‌فر. تهران: اساطیر.
۵. اعتمادی، سیاوش. (۱۳۸۱). بختیاری در گذر زمان. تهران: سیاست روز.
۶. افسر، داراب. (بی‌تا). منتخباتی از اشعار شاعر فرزانه داراب افسر بختیاری. اصفهان: کتاب فروشی مشعل.
۷. امان، دیترا. (۱۳۷۶). بختیاری‌ها عشایر کوه‌نشین ایرانی در پویه تاریخ. ترجمه سیدمحسن محسنیان. مشهد: آستان قدس رضوی.
۸. بهار، محمدتقی. (۱۳۷۰). سبک‌شناسی. ج ۶. تهران: امیرکبیر.
۹. بهمنیار، احمد. (۱۳۶۱). داستان‌نامه‌ی بهمنیاری، به کوشش فریدون بهمنیار. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. بیهقی، خواجه ابوالفضل محمد بن حسین. (۱۳۷۳). تاریخ بیهقی. ج ۳. تهران: مهتاب.
۱۱. پوربختیار، غفار. (۱۳۸۴). بختیاری‌نامه (پژوهشی در تاریخ و فرهنگ قوم بختیاری). تهران: پازی تیگر.
۱۲. پیرعباسی، یحیی. (۱۳۷۴). ضرب‌المثل‌های بختیاری در آیینة وحی، شهرکرد: ایل.
۱۳. جعفری قنوتی، محمد. (۱۳۸۳). "پژوهشی ارجمند در ادبیات فارسی" در کتاب ماه علوم اجتماعی. (ماهنامه ادواری). ش ۸۴.
۱۴. حیدری‌پدنی، رضا. (۱۳۸۶). سرچشمه ضرب‌المثل‌های بختیاری. قم: حضرت عباس (ع).
۱۵. خسروی، عبدالعلی (فائد بختیاری). (۱۳۶۸). فرهنگ بختیاری. تهران: فرهنگسرا.
۱۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵الف). فرهنگ و ادبیات بختیاری. شهرکرد: ایل با همکاری غزل.
۱۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵ب). گویش بختیاری. اصفهان: غزل.
۱۸. داوری، بهرام. (۱۳۴۳). ضرب‌المثل‌های بختیاری. تهران: طهوری.
۱۹. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۶۳). امثال و حکم. ج ۶. تهران: امیرکبیر.
۲۰. ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۸). فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی. تهران: معین.
۲۱. رضایی باغبیدی، حسن. (۱۳۸۰). معرفی زبان‌ها و گویش‌های ایران. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۲۲. رضوی، سیدکمال. (۱۳۷۳). گویش و فرهنگ الیگودرز. الیگودرز: محیا.
۲۳. زرین‌کوب، عبدالحسین و زرین‌کوب، حمید. (۱۳۷۷). نقد ادبی. ج ۷. تهران: دانشگاه پیام نور.
۲۴. سرلک، رضا. (۱۳۸۵). آداب و رسوم و فرهنگ عامیانه ایل بختیاری چهارلنگ. تهران: طهوری.
۲۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱). واژه‌نامه گویش بختیاری چهارلنگ. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی و آثار.
۲۶. شاه‌منصوری، مهدی. (۱۳۷۴). چند زبان‌زد از ایل زلکی. در کتاب آزان، کتاب اول، ص ۱۵۶.
۲۷. صالح‌پور، اردشیر. (۱۳۸۵). فرهنگ زبان‌زدهای مشترک قوم لر (بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، لری و لکی). با همکاری زینت صالح‌پور. تهران: مؤلف.
۲۸. صالحی، سیدعلی. (۱۳۶۹). ایل بزرگ بختیاری. تهران: انتشارات اطلس.
۲۹. ضیف، شوقی. (۱۳۶۲). نقد ادبی. ترجمه لمیعه ضمیری. تهران: امیرکبیر.
۳۰. عبداللهی موگویی، احمد. (۱۳۷۲). ترانه‌ها و مثل‌های بختیاری. اصفهان: مؤسسه فردا.
۳۱. عمید، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی عمید. ج ۲۲. تهران: امیرکبیر.
۳۲. فروتن، فریبرز. (۱۳۷۵). گنجینه مثل‌های بختیاری. اهواز: انتشارات خوزستان.
۳۳. قنبری‌عدوی، عباس. (۱۳۸۱). امثال و حکم بختیاری. شهرکرد: ایل.
۳۴. \_\_\_\_\_ (۲۰۰۹م). پژوهش متن‌شناسی و تیپولوژی ضرب‌المثل‌های کتابی و شفاهی قوم بختیاری ایران. پایان‌نامه دکتری دانشگاه ملی تاجیکستان (دوشنبه)، رشته فیلولوژی. به راهنمایی پروفیسور روشن رحمانف.
۳۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵الف). گفت و لغت. شهرکرد: مرید.

۱۸۰ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، سال اول، پیش‌شماره ۱، پاییز ۱۳۸۹

۳۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵ب) یک جرعه از خیال. شهرکرد: مرید.
۳۷. کریمی، ذبیح‌الله. (۱۳۷۴). هفتصد ضرب‌المثل بختیاری. تهران: داریوش.
۳۸. کیانی هفت‌لنگ، کیانوش. (۱۳۷۸). ضرب‌المثل‌های بختیاری. تهران: مؤلف.
۳۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۰). ضرب‌المثل‌های بختیاری. تهران: مؤلف.
۴۰. لایارد، هنری و دیگران. (۱۳۷۱). سیری در قلمرو بختیاری و عشایر بومی خوزستان. ترجمه مهرباب امیری. تهران: فرهنگسرا.
۴۱. میری، بهجت. (۱۳۷۷). "ضرب‌المثل" در کتاب آزان، کتاب دوم. ص ۱۶۵.
۴۲. مرادی، نورالله. (۱۳۸۲). مثل‌های ایذه. تهران: موسسه نشر همسایه.